رهنما

آستان قدس رضوی
معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

۳۷

آیا می توان نماز را به فارسی خواند؟!

حمیدرضا شاکرین



بسم الله الرحمن الرحیم

رهنما ۲۷ : (آیا می توان نماز را به فارسی خواند)

نویسنده:

حمیدرضا شاکرین

ناشر چاپی:

انتشارات آستان قدس رضوی - به نشر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رهنما ۲۷ : (آیا می توان نماز را به فارسی خواند)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : آیا می توان نماز را به فارسی خواند؟/ نویسنده حمیدرضا شاکرین؛ برای آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی.

مشخصات نشر : مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۱۶ص.؛ ۱۲×۱۷س م.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۴۳-۸۹-۵

موضوع : نماز -- ادبیات کودکان و نوجوانان

سرشناسه : شاکرین، حمیدرضا، ۱۳۳۸ -

شناسه افزوده : آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

شناسه افزوده : موسسه انتشاراتی قدس رضوی

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۳[ج]

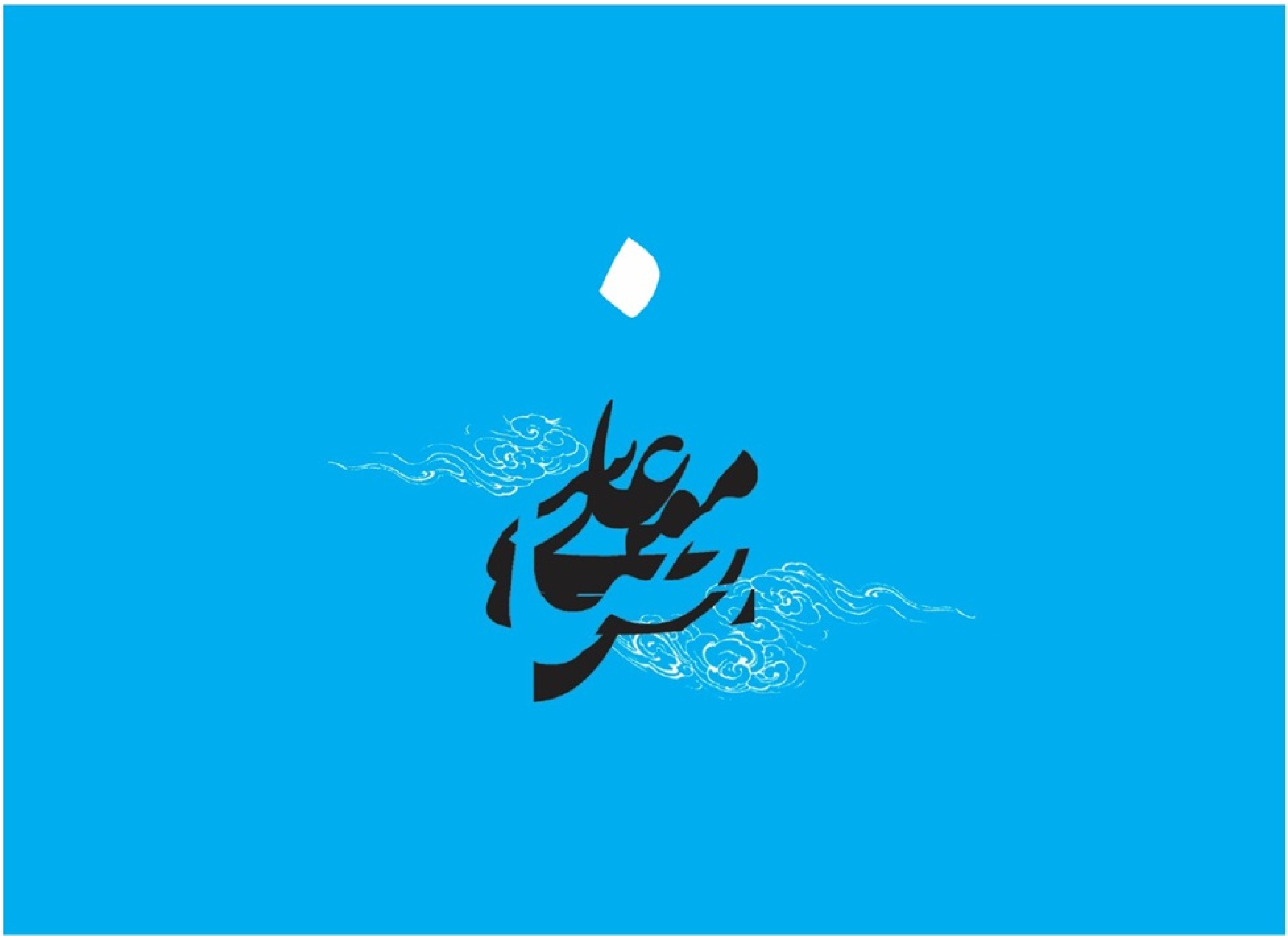
رده بندی کنگره : BP۱۸۶/ش۱۶۴آ۹ ۱۳۹۱

شماره کتابشناسی ملی : ۲۹۷۷۷۶۶

ص:۱

اشاره

تصویر



ص:۴۰

چرا نماز را به فارسی نخوانیم؟

وجهۀ همت نویسنده در پدیدآوردن این اثر، پاسخ به پرسش های زیر بوده است:

۱. خواندن نماز به فارسی باعث توجه بیشتر به معانی عبارت ها می شود. پس چرا باید عربی بخوانیم؟

۲. چرا برتری زبان عربی، آن هم به اقرار قرآن پژوهان غربی، دلیلی بر عربی خواندن نماز می شود؟

۳. آیا پاسداری از زبان دین و استمراربخشی به آن، وظیفۀ ماست؟

۴. عربی خوانیِ نماز چگونه در تداوم و پایاییِ دین مؤثر است؟

۵. پاسخ شگفت و قانع کنندۀ مرحوم ارباب به دغدغۀ جوانانی که نماز را به فارسی می خواندند، چه بود؟

ص:۵

تصویر


تعریفیں اللہ ہی کے لیے ہیں جو تمام
رَّحِیْمِ ۝ مٰلِکِ یَوْمِ
رحم والا ہے روزِ جزا کا مالک
نَعْبُدُ وَاِیَّاکَ نَسْتَعِیْنُ
تجھ ہی سے مدد
الْمُسْتَقِیْمَ ۝ صِرَاطَ
جن پر تو نے انعام فرمایا
عَلَیْهِمْ وَلَا الضَّآلِّیْنَ

ص:۶

برای بسیاری این پرسش وجود دارد که راز عربی بودن نماز چیست و آیا برای ما که فارسی زبان هستیم، بهتر نیست نماز را به زبان مادری خود بخوانیم تا برایمان آسان تر باشد و مضمون آن را بهتر بفهمیم؟ در پاسخ به این پرسش، نکات مختلفی برای گفتن وجود دارد که اینک به اختصار برخی از آن ها را بررسی خواهیم کرد.

حکمت های عربی بودن نماز

عربی بودن نماز حکمت هایی دارد، از جمله:

زبان دین

زبان عربی نه زبان یک قوم، بلکه زبان دین ماست و از این رو برای ما اهمیت بسیاری دارد. انس و آشنایی با زبان عربی سبب پیوند مستقیم ما با کلام خدا و سنت گفتاری پیامبر و ائمهٔ معصوم می شود.

ص:۷

عربی بودن نماز یکی از عواملی است که رابطهٔ دائمی انسان با زبان دین و پیوند گسست ناپذیر او با کتاب آسمانی را سبب می شود و زمینهٔ آشنایی مستقیم با معارف دینی را فراهم می آورد. از همین رو مسلمانان، از هر نژاد و دارای هر زبان، همواره کوشیده اند که با این زبان آشنا شوند تا از طریق آن، رابطهٔ بهتر و مستقیم تری با معارف دینی برقرار کنند؛ برای نمونه، دکتر محمد تقی الدین الهلالی در مقدمهٔ تفسیر قرآن به زبان انگلیسی از شیخ عمر ازبک، یکی از عالمان ترک تبار ازبکستان، نقل می کند:

«از زمانی که روس ها ما را وادار به آموختن زبان خودشان کردند، نذر کردم که جز با زبان قرآن و پیامبر سخن نگویم؛ زیرا دانستم که آنان آگاهانه به این کار دست زده و می دانند که در قالب آموزش زبانِ انسان ها عقاید و افکار آنان را فرا گرفته و با آنان در می آمیزند. پس بگذار هر که با من انس می گیرد، زبان قرآن را بیاموزد و من خود در این باره به او کمک

خواهم کرد... .»(۱)

غنای زبان عربی

زبان عربی از نظر واژگان، مفاهیم و ساختار معنایی، به ویژه در حوزهٔ معارف دینی، بسیار غنی است. از سوی دیگر، بخش مهمی از نماز به قرائت سوره هایی از قرآن اختصاص دارد. قرآن نیز ویژگی های منحصر به فردی دارد؛ ازجمله اینکه واژه های به کار رفته در آن، شیوهٔ تعبیر، پیوند واژه ها و سازه های کلام با یکدیگر، با اعجاز همراه است و بشر هرگز قادر نیست که با دقت و صحت کافی، کلام خدا را به زبان دیگر برگرداند و جایگزین متن اصلی و عربی آن کند؛ البته مشکل ترجمه مشکلی فراگیر است و اختصاص به کتاب الهی ندارد، تا آنجا که

۱- . The Noble Qoran in English Language, by: Dr. M. Taqiuddin Al_Hilali, ۸ Dr. Muhammad Muhsin Khan, Kazi Publications, ۱۲۱_Zulqarnain Chambers, Ganpat Road, Lahor, Pakistan, VOL. I. P. xxxiii.

برخی، همچون کواین، ترجمه را امکان ناپـذیر می انگارند. از همین رو پژوهشـگران چیره دست در متون علمی، تا حد امکان اسـتناد به اصـل منابع اسـتفاده شدهٔ خود را بر اسـتفاده از ترجمه ها و نقل قول از آن ها ترجیح می دهند؛ اما حساسـیت این مسـئله در خصوص قرآن مجید صد چندان است. پروفسور ایزوتسو، قرآن پژوه معاصر، می نویسد:

«واژه های ترجمه شده در بهترین صورتشان جز معادل های جزئی نیسـتند. از آن ها فقط می توان به عنوان رهنمودهای ساخته و پرداخته ای در برداشـتن گام های لرزان نخستین اسـتفاده نمود؛ هر چند در بسـیاری از موارد از این بابت نه تنها وافی به مقصود نیسـتند، بلکه گمراه کننده نیز می باشند؛ ولی به هر حال، هرگز نمی توان بحث و بررسی ساختمان جهان بینی اخلاقی قومی را بر بنیاد آن ها مستقر ساخت.»(۱)

ص:۱۰

۱- . توشیهیکو ایزوتسو، ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن، ترجمهٔ فریدون بدره ای، تهران: قلم، ص۲.

اسـتاد حجتی نیز بر آن است که «مفردات و تکواژه های قرآن به گونه ای به هم پیوند یافته اند که با گذر از هر بخشی از این تراکیب به بخش دیگر، معنیِ بـدیع تر و دقیق تری را یکی پس از دیگری القا می کننـد.»(۱) او سـپس می نویسـد: «در قرآن کریم، به خاطر اینکه به زبان عربی است و این زبـان از تنوع واژه و رسـایی آن هـا غنی است، کلمات مترادف به مفهوم اصـطلاحی در آن وجود نـدارد و درنتیجه، الفاظی که در قرآن مترادف به نظر می رسـند، هریک حامل خصوصـیاتی است متمایز از یکدیگر که ترداف را از آن ها سـلب می کند. با توجه به نکتهٔ اخیر انتخاب واژه های عربی در قرآن با خصـیصهٔ اعجاز توأم است .به عبارت دیگر، به جای لغتی که در قرآن کریم مرادف با لغت دیگر به نظر می رسد، محال است لغت دیگری را به کار برد؛ [برای مثال،] در قرآن کریم واژه های «خالق»، «بارئ»، «فاطر» در جایگاه های مختلفی

ص:۱۱

۱- . سیدمحمد باقر حجتی، «ویژه نامهٔ ترجمهٔ قرآن»، فصل نامهٔ مترجم، ش۱۰، س۳، تابستان ۱۳۷۲، ص۳۵.

آمـده که نمی توان خصوصـیات آن ها را با تعبیر «آفریدگار» القا کرد. ازآنجا که خداوند متعال بر همهٔ لغات ازنظر آگاهی احاطهٔ کامل دارد، بهترین آن ها را در جای مناسب آورده است که این کار از عهدهٔ توانایی بشـر بیرون است. به تعبیر پاره ای از علما، ترجمهٔ قرآن بسان اسـتفاده از اندام مصنوعی به جای اندام طبیعی است و هرگز نمی تواند با قرآن کریم هم سطح باشد.»(۱)

ایشـان در جـای دیگر آورده است که معمولاًـ مترجمـان، کلمـهٔ «انـابه» را به تضـرع و زاری و امثال آن برمی گردانند؛ در حالی که این ترجمه کالبدی بی روح از واژه ای است زنده. اگر حضـرت ابراهیم]الحلیم اوّاه منیب((۲) خوانده شده است، «انابهٔ او عبارت از گسسـتن از غیرخدا و پوچ انگاشـتن علل و اسباب مادی و پیوستن به خداست و انابهٔ او یعنی نیست انگاری ما سوی الله و گسستن از آن ها و پیوندیافتن با خدایی که هستیِ واقعی از آن اوست. این

۱- . همان.

۲- . هود، ۷۵.

حالت عرفانی را که در روحِ مفهومِ واژهٔ انابه وجود دارد، چگونه می توان با تضرع و زاری القا کرد؟»(1)

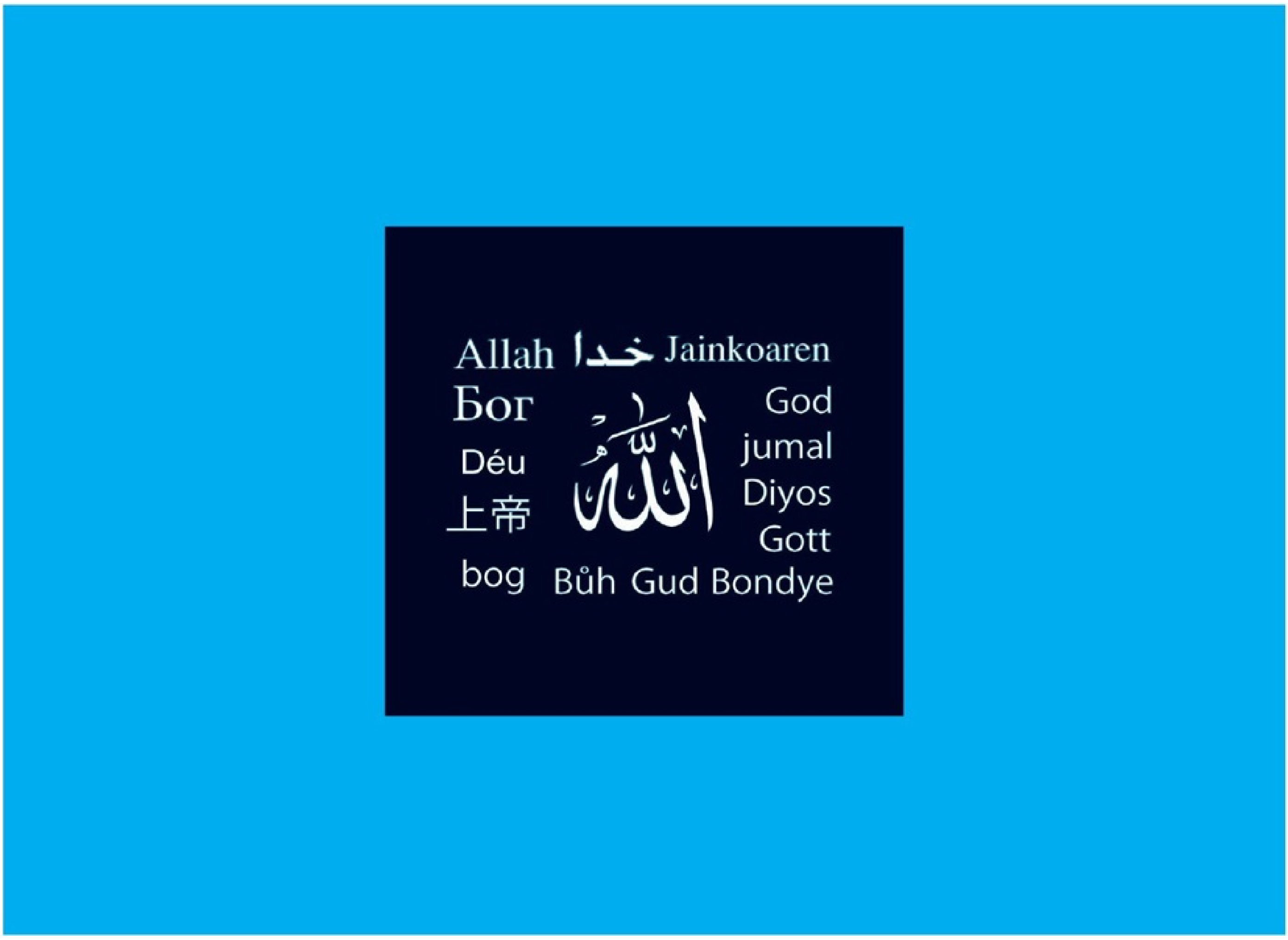
چرا جای دور برویم؟ چه کسی تا کنون توانسته است ترجمه ای دقیق و معتبر از سورهٔ حمد و توحید که همه روزه در نمازها تکرار می شوند، به دست دهد؟ نگارنده که مدت ها در ترجمه های قرآن مجید به زبان های مختلف کاوش کرده و اطلاعاتی از بیش از دوهزار ترجمهٔ قرآن به بیش از

یکصد زبان به دست آورده، تاکنون به ترجمهٔ دقیقی از آیهٔ شریف)بسم الله الرحمن الرحیم(دست نیافته است. کلمهٔ «الله» اسم خاص خداوند است و واژه هایی همچون «خدا»، «Dieo» ،«God» و «Gottes» به عنوان معادل هایی تقریبی در برابر آن قرار می گیرند. بسیاری از مترجمان قرآن، مانند رودی پارت در ترجمهٔ آلمانی، پروفسور حمیدالله

ص:۱۳

۱- . حجتی، پیشین، ص۶۲.

تصویر


Allah خدا Jainkoaren
Бог
God
jumal
Déu
Diyos
上帝
Gott
الله
bog Bůh Gud Bondye

ص:۱۴

در ترجمهٔ فرانسوی و محمد (مارمادوک) پیکتال در ترجمهٔ انگلیسی قرآن به این نکته توجه کرده اند. پیکتال در مقدمهٔ سورهٔ حمد می نویسد: «من در همه جای این ترجمه واژهٔ Allah را حفظ نموده ام؛ زیرا این واژه هیچ معادلی در زبان انگلیسی ندارد.»(۱) او در تبیین تفاوت های اسم جلالهٔ «الله» و واژهٔ «God» در انگلیسی می نویسد: «از ویژگی های کلمهٔ الله این است که نه مؤنث دارد و نه جمع پذیر است و لا جرم جز بر ذات یکتای وَهم ناپذیر و متعالی، بر کسی یا چیزی قابل اطلاق نیست؛»(۲) برخلاف واژهٔ «God» که هم تأنیث پذیر است (Goddess) و هم جمع پذیر (Gods/Goddesses)، یا مانند کلمهٔ «خدا» در فارسی که به «خدایان» جمع می شود و از همین رو به غیر ذات حق تعالی نیز اطلاق می شود.

ص:۱۵

۱- The Glorious Quran, Trans by: M. Pichthall, Salehi Publications Tehran, P.۳.

۲- Ibid.

همچنین «الرحمن» و «الرحیم» هریک به گونهٔ خاصی از رحمت الهی اشاره دارند(۱) و تا آنجا که نگارنده آگاهی دارد، معادل دقیقی برای هیچ یک از آن دو در زبان های دیگر شناخته نشده است. واژه هایی چون «بخشنده»، «بخشاینده»، «بخشایشگر»، «مهربان»، «مهرورز» و امثال آن در فارسی یا Beneficent، Mercy-giving، Compassionate، Merciful در انگلیسی و، Tres Misericordieux، Tout Misericordieux در زبان فرانسه و نیز des Gnadigen, des Barmherzigen در زبان آلمانی هرگز نمایانگر معنای دقیق و معارف نهفته در واژه های «الرحمن» و «الرحیم» نیستند.

۱- . نک: ناصر مکارم شیرازی، تفسیرنمونه، ج۱، تفسیر سورهٔ حمد، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

تأثیر بی بدیل قرآن

قرآن ازنظر لطافت و زیبایی، اعجاز آمیز و بـدیل ناپـذیر است و از همین رو جاذبـهٔ نیرومنـد و خارق العاده ای دارد. ساواری در مقدمـهٔ ترجمهٔ قرآن به زبان فرانسوی می نویسد: «قرآن دارای تأثیری خاص و جاذبه ای ویژه است که مانند آن برای هیچ یک از کتاب ها نیست.»(۱)

بنابراین، اگر مشـکل معادل گـذاری برای معانی بلنـد قرآن که در نماز قرائت می شود، به گونه ای حل شدنی باشد، لطافت و زیبایی آسـمانی قرآن با هیچ ترجمهٔ بشری فراچنگ آمدنی نیست. مگر نه این است که ترجمه های منظوم و مسجّع و آهنگین قرآن پیش از آنکه در میان مردم جایی باز کند، به سرعت طراوت و زیبایی خود را از دست داده و تنها در موزه ها جایی برای خود پیدا می کند؛ اما قرآن مجید قرون و اعصار را درنوردیده و میلیاردها انسان

۱- . مرتضی باقریان، پیرامون قرآن و عهدین، چ۳، قم: دارالتبلیغ اسلامی، ۱۳۷۱، ص۸۵.

را از سویدای دل، شیفته و دل باختهٔ خود ساخته و همواره پرتوافشانی های آن فزونی می یابد.

پیکتال می نویسد: «قرآن را نمی توان ترجمه کرد؛ زیرا نغمه و آوای بی نظیر و آهنگ دل نشین آن، انسان را دگرگون می سازد و او را به خشوع و گریه یا شور و شوق وا می دارد.»(۱) پروفسور ا. گیوم(۲) بر آن است که: «قرآن با آهنگ زیبای مخصوص دارای موسیقی دل نوازی است که گوش را می نوازد. عدهٔ کثیری از مسیحیان عرب زبان سبک قرآن را ستوده اند و از میان شرق شناسان کسانی که به زبان و ادبیات عرب آشنایی دارند، فصاحت و لطف و ظرافت شیوهٔ قرآن را می ستایند. زمانی که قرآن را تلاوت کنند، جذابیت خاص آن بی اختیار شنونده را به سوی خود می کشد و این حلاوت و موسیقی دل نشین بود که فریاد سرزنش کنندگان را خاموش کرد و به کالبد شریعت پیامبر اسلام روح دمید و آن را غیر قابل تقلید گردانید. در

ص:۱۸

۱- . The Meaning of the Glorious Qoran, by: Muhammad M. Pichthall, Muslim World League _ Rabita, ۱۹۷۷ , P.III.

۲- . Alfred A. Guillume.

پهنهٔ نظم و نثر و ادبیات پر دامنهٔ عرب، کتابی به فصاحت و بلاغت و بلندپایگی و پرمایگی قرآن نمی شناسیم و اثری نیست که بتوان آن را با قرآن مقایسه نمود. تأثیر عمیق آیات قرآن بر عرب و غیرعرب آن چنان است که عنان از کف می دهند.»(۱) آرنولد نولد که آلمانی در کتاب خود، تاریخ قرآن، آورده است: «کلمات قرآن چنان خوب و به هم پیوسته است که شنیدنش، با آن هماهنگی و روانی، گویی نغمهٔ فرشتگان است، مؤمنان را به شور می آورد و قلب آنان را مالامال از وجد و شعف می گرداند.»(۲)

بارتلمی سنت هیلر، دانشمند فرانسوی، می نویسد: «قرآن کتابی است بی همتا که زیبایی ظاهری و عظمت معنوی آن برابر است. استحکام الفاظ و انسجام کلمات و تازگی افکار در

ص:۱۹

۱- . The Quran Interpreted, A. J. Arbery, Newyork, ۱۹۷۴. V.۲.p.۱۰به نقل از: عبدالکریم بی آزار شیرازی، ترجمهٔ تصویری و تفسیر آهنگین سورهٔ فاتحه و توحید، چ۲، تهران؛ فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴، ص۱۵.

۲- . ۲ .Geschichte des Quran, Neeldke, p.۵۶ به نقل از: همان

سبک نوظهور آن، چنان متجلی است که پیش از آنکه خردها تسخیر معانی آن گردند، دل ها تسلیم آن می شوند. در میان پیامبران هیچ کس مانند پیامبر اسلام نتوانسته است این همه نفوذ کلام داشته باشد. قرآن با سبک خاص خود، هم سرود مذهبی است و هم نیایش الهی، هم شریعت و قوانین سیاسی و حقوقی و هم نوید بخش و هشدار دهنده، هم پندآموز و هم راهنما و هدایت کننده به راه راست و هم بیان کنندهٔ قصه، داستان، حِکَم و امثال. بالاخره، قرآن زیباترین اثر به زبان عربی است که در میان کتاب های مذاهب جهان نظیر ندارد. مسیحیان عرب زبان معترف اند که این کتاب شریف چه تأثیر شگرفی در دل وجان شنوندگان دارد.»(۱)

ص:۲۰

۱- . Hilaire, B. Saint, Mohomet et le Quran Paris, ۱۸۶۵, p.۱۸۷۰ به نقل از: همان. برای آگاهی بیشتر در این زمینه، ک: مصطفی صادق رافعی، اعجاز قرآن، تهران: بنیاد قرآن، ۱۳۶۱؛ سید قطب، التصویر الفنی فی القرآن؛ عبدالکریم بی آزار شیرازی، ترجمهٔ تصویری و تفسیر آهنگین سورهٔ فاتحه و توحید، تهران: فرهنگ اسلامی.

مارگریت مارکوس (مریم جمیله)، دوشیزهٔ یهودی زادهٔ آمریکایی، در شرح حال خود و چگونگی تمایلش به اسلام، آورده است که شنیدن آیاتی از قرآن مجید چنان او را شیفته و دل باخته کرد که موجب انس دائمی اش با قرآن شد و او را به مطالعه و بررسی دربارهٔ اسلام ترغیب کرد و این مسئله درنهایت به هدایت او به این دین مبین و نگارش ده ها کتاب و مقاله در دفاع از اسلام منجر شد. (۱)

بنابراین قرائت آیات الهی در نماز، به ویژه اگر همراه با نغمهٔ دل انگیز قرآن و توجه و تدبر

در معانی آیات آن باشد، چنان تأثیری دارد که ترجمه را بدان راه نیست.

۱- . نک: مقالاتی از بانو مریم جمیله، ترجمهٔ غلامرضا سعیدی و اقدس حسابی، قم: حر، ۱۳۵۶،ص ۹تا۱۲.

تصویر



ص:۲۲

پویایی و پایایی فرهنگ دینی

از منظر جامعه شناختی، زبان یکی از مهم ترین نمادها(۱) است. «نمادها رکن بنیادین زندگی اجتماعی انسان اند. بدون نمادها یا فرهنگ، انسان ها ناشناخته و سردرگم خواهند بود و جهان، آن گونه که ما آن را می شناسیم، از هم خواهد گسست.»(۲) «انسان ها در خلال نظامی از نمادها با یکدیگر رابطه برقرار می کنند، گذشته را به یاد می آورند و آینده را پیش بینی می کنند.»(۳)

ص:۲۳

۱- . Symbols.

۲- . جاناتان اچ. ترنر، مفاهیم و کاربردهای جامعه شناسی، ترجمهٔ محمد فولادی و محمد عزیز بختیاری، قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ ۱، ۱۳۷۸، ص ۷۴.

۳- . همان، ص ۷۵.

از طرف دیگر، زبان نقش اساسی در فرهنگ پذیری(۱) و پایایی فرهنگی(۲) ایفا می کند: زبان، برجسته ترین عنصر فرهنگی، منتقل کنندهٔ آن و حافظ هویت تاریخی و فرهنگی هر ملت است. یکی از مشکلات بزرگی که تکنولوژی های جدید ارتباطی، همچون ماهواره و اینترنت، پدید آورده اند، این است که سلطهٔ نمادهای جدید و سربرآوردن یک زبان مسلط، موجب انقطاع فرهنگی و گسست رابطهٔ نسل جدید با پیشینهٔ فرهنگی خویش می شود و آن نیز به نوبهٔ خود، زوال هویت را در پی می آورد.

انقطاع زبانی ß

گسست فرهنگی ß زوال هویت

ص:۲۴

۱- .Acculturation فرهنگ پذیری عبارت است از دگرگونی فرهنگی که از اشاعهٔ فرهنگ، یعنی پخش عناصر فرهنگی ازجامعه ا ی به جامعهٔ دیگر، تحقق می یابد. برای آگاهی بیشتر، نک: چنگیز پهلوان، فرهنگ شناسی، تهران: پیام امروز، چ۱، ۱۳۷۸، ص۱۰۴.

۲- . Cultural Stability پایایی فرهنگی عبارت است از حفظ الگوهای فرهنگی در تماس با دیگر فرهنگ ها و تغیرناپذیری آن در برابر الگوهای فرهنگی معارض.

اگر استعمار نو (Neo-Colonialism) بـا تمـام توان در بسـط زبـان خود می کوشـد، از آن روست که بهترین راه تحمیل فرهنگ و بیگانه سازی ملت ها با هویت خویش تغییر در زبان و ارتباطات کلامی است؛ برای نمونه روشنفکرنمایان غربگرا همچون آخوندزاده و ملکم خان در ایران و امثـال آتـاتورک در ترکیه فراینـد دین زدایی و سـکولاریزه کردن اجتمـاع را از مبارزه با خط و زبان عربی آغاز می کننـد که ریشه در همین نکته دارد. (۱)

با توجه به آنچه گـذشت، می توان گفت یکی از حکمت های مهم عربی بودن نماز این است که از طریق آن، فراینـد فرهنگ پـذیری، انتقال، پویـایی، اسـتمرار و پایایی فرهنگ دینی در طول قرن ها و در میان نسل های پی درپی به خوبی انجام پـذیرد. همـهٔ مسـلمانان در هر زمان و هر مکان، ازطریق نمازهای پنج گانه، ارتباط دائمی خود را با زبان دین حفظ کرده اند و

ص:۲۵

۱- . جهت آگـاهی بیش تر نـک: جملیه علم الهـدا، نقش جریان روشـنفکری درسـکولاریسم تربیتی، تهران: موسـسهٔ فرهنگی دانش و اندیشـه معاصر، چ ۱، ۱۳۸۰، ص۴۸تا۶۸.

به وسیلهٔ این نماد، عناصر فرهنگ دینی را در میان خود نهادینه ساخته اند و به نسل های بعدی منتقل می کنند.

ازطرف دیگر، این ارتباط پیوسته و دائمی و دارابودن زبان مشترک دینی به پایایی فرهنگ دینی مدد می رساند و جوامع اسلامی را در حد چشمگیری دربرابر تهاجم فرهنگی بیگانگان مصون می سازد. بنابراین عربی بودن نماز، هم در فرهنگ پذیری و انتقال فرهنگی مسلمانان نقش بسزایی دارد و هم در پایایی و پایداری فرهنگ و هویت دینی آنان.

نماد وحدت

زبان یکی از محورهای اشتراک و وحدت انسان هاست. از طرف دیگر، نماز به عنوان آیین عبادیِ دائمی و همگانی بیشترین نمادهای وحدت بخش را در خود نهفته دارد و نمایانگر یکپارچگی امت اسلامی در سراسر جهان بوده و الگویی بسیار زیبا و منحصربه فرد از وحدت

امت از هر دیار و هر نژاد و هر طبقهٔ اجتماعی است. پرستش خدای یگانه با افعال و اذکار واحد، رو به قبلهٔ واحد و با استفاده از زبان واحد چیزی است که در هیچ جای جهان نظیری برای آن نمی توان یافت. بنابراین عربی بودن نماز در ایجاد انسجام و یکپارچگی و وحدت امت اسلامی نیز نقش بسزایی دارد.

حکایتی خواندنی

اکنون از باب حُسن ختام و شیرینی کلام، خاطرهٔ استاد محمدجواد شریعت با مرحوم آیت الله رحیم ارباب اصفهانی را دربارهٔ خواندن نماز فارسی تقدیم می کنیم:

سال ۱۳۳۲ش بود. من و عده ای از جوانان پرشور آن روزگار پس از تبادل نظر و مشاجره به این نتیجه رسیده بودیم که چه دلیلی دارد نماز را به عربی بخوانیم؟ چرا نماز را به زبان فارسی نخوانیم؟ عاقبت تصمیم گرفتیم نماز را به زبان فارسی بخوانیم و همین کار

را هم کردیم. والـدین کم کم از این موضـوع آگـاهی یافتنـد و به فکر چـاره افتادنـد. آن هـا پس از تبـادل نظر بـا یکـدیگر تصـمیم گرفتنـد با نصیحت مـا را از این کـار بـاز دارنـد و اگر مؤثر نبود، راهی دیگر برگزیننـد؛ چون پنـددادن آن ها مؤثر نیفتاد، ما را نزد یکی از روحانیان آن زمان بردنـد. آن روحانی وقتی فهمیـد ما به زبان فارسـی نماز می خوانیم، به شـیوه ای اهانت آمیز نجس و کافرمان خواند. این عمل او ما را در کارمان راسخ تر و مُصِرتر ساخت.

عـاقبت یکی از پـدران، والـدین دیگر افراد را به این فکر انـداخت که ما را به محضـر حضـرت آیت الله حاج آقا رحیم ارباب ببرنـد و این فکر مورد تأییـد قرار گرفت. آن هـا نزد حضـرت اربـاب شـتافتند و موضوع را بـا وی در میـان نهادنـد. او دسـتور داد در وقتی معیّن مـا را خـدمتش رهنمون شوند. در روز موعود ما راکه تقریباً پانزده نفر بودیم، به محضر مبارک ایشان بردند. در همان لحظهٔ اول، چهرهٔ نورانی و خندان وی ما را مجذوب ساخت. آن بزرگ مرد را غیر از دیگران یافتیم و دانستیم که با شخصیتی استثنایی روبه رو هستیم. آقا در آغاز، دستور

پذیرایی از همهٔ ما را صادر فرمود؛ سپس به والدین ما فرمود: «شما که به فارسی نماز نمی خوانید، فعلاً تشریف ببرید و ما را با فرزندانتان تنها بگذارید.»

وقتی آن ها رفتند، به ما فرمود: «بهتر است شما یکی یکی خودتان را معرفی کنید و بگویید در چه سطح تحصیلی و چه رشته ای درس می خوانید.» آنگاه به تناسب رشته و کلاس ما پرسش های علمی مطرح کرد و از درس هایی مانند جبر و مثلثات و فیزیک و شیمی و علوم طبیعی مسائلی پرسید که پاسخ اغلب آن ها از توان ما بیرون بود. هرکس از عهدهٔ پاسخ برنمی آمد، با اظهار لطفِ وی و پاسخ درست پرسش روبرو می شد. پس از آنکه همهٔ ما را خلع سلاح کرد، فرمود:

«والدین شما نگران شده اند که شما نمازتان را به فارسی می خوانید. آن ها نمی دانند من کسانی را می شناسم که نعوذبالله، اصلاً نماز نمی خوانند. شما جوانان پاک اعتقادی هستید که هم اهل دین هستید و هم اهل همت. من در جوانی می خواستم مثل شما نماز را به فارسی

تصویر



ص:۳۰

بخوانم؛ ولی مشکلاتی پیش آمد که نتوانستم. اکنون شما به خواستهٔ دوران جوانی ام جامهٔ عمل پوشانیده اید. آفرین به همت شما. در آن روزگار، نخستین مشکل من ترجمهٔ صحیح سورهٔ حمد بود که لابد شما آن را حل کرده اید. اکنون یکی از شما که از دیگران مسلط تر است، بگوید]بسم الله الرحمن الرحیم[را چگونه ترجمه کرده است.»

یکی از ما به عادت دانش آموزان دستش را بالا گرفت و برای پاسخ دادن داوطلب شد. آقا با لبخند فرمود: «خوب شد طرف مباحثهٔ ما یک نفر است؛ زیرا من از عهدهٔ پانزده جوان نیرومند برنمی آمدم.» بعد به آن جوان فرمود: «خُب بفرمایید بسم الله را چگونه ترجمه کردید؟» آن جوان گفت: «طبق عادت جاری، به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.» حضرت ارباب لبخند زد و فرمود: «گمان نکنم ترجمهٔ درست بسم الله چنین باشد. درمورد «بسم» ترجمهٔ «به نام» عیبی ندارد. اما «الله» قابل ترجمه نیست؛ زیرا اسم علم (خاص) خداست و اسم خاص را نمی توان ترجمه کرد؛ مثلاً اگر اسم کسی «حسن» باشد، نمی توان به آن گفت «زیبا». ترجمهٔ

«حسن» زیباست؛ اما اگر به آقای حسن بگوییم آقای زیبا، خوشش نمی آید. کلمهٔ الله اسم خاصی است که مسلمانان بر ذات خداوند متعال اطلاق می کنند. نمی توان «الله» را ترجمه کرد، باید همان را به کار برد. خب، «رحمن» را چگونه ترجمه کرده اید؟»

رفیق ما پاسخ داد: «بخشنده.» حضرت ارباب فرمود: «این ترجمه بد نیست، ولی کامل نیست؛ زیرا «رحمن» یکی از صفات خداست که شمول رحمت و بخشندگی او را می رساند و این شمول در کلمهٔ بخشنده نیست. «رحمن» یعنی خدایی که در این دنیا هم بر مؤمن و هم بر کافر رحم می کند و همه را در کنَف لطف و بخشندگی خود قرار می دهد و نعمت رزق و نعمت جسم و سلامت جسم و مانند آن اعطا می فرماید. درهرحال، ترجمهٔ بخشنده برای «رحمن» درحد کمال ترجمه نیست. خب، رحیم را چطور ترجمه کرده اید؟»

رفیق ما جواب داد: «مهربان.» حضرت آیت الله ارباب فرمود: «اگر مقصودتان از رحیم، من بود، چون نام وی رحیم بود، بدم نمی آمد «مهربان» ترجمه کنید؛ اما چون رحیم کلمه ای

قرآنی و نام پروردگار است، بایـد درست معنا شود. اگر آن را «بخشاینـده» ترجمه کرده بودیـد، راهی به دهی می برد؛ زیرا رحیم یعنی خدایی که در آن دنیا گناهان مؤمنان را عفو می کند. پس آنچه در ترجمهٔ «بسم الله» آورده اید، بد نیست؛ ولی کامل نیست و اشتباهاتی دارد.

من هم در دوران جوانی چنین قصـدی داشـتم؛ اما به همین مشـکلات برخوردم و از خواندن نماز فارسـی منصـرف شدم. تازه این فقط آیهٔ اول سورهٔ حمد بود. اگر به دیگر آیات بپردازیم، موضوع خیلی پیچیده تر می شود؛ اما من معتقدم شما اگر باز هم بر این امر اصرار دارید، دست از نمازخواندن فارسی برندارید؛ زیرا خواندنش از نخواندن نماز به طورکلی بهتر است.»

در اینجا، همگی شـرمنده و منفعل و شـکست خورده از وی عذر خواهی کردیم و قول دادیم ضـمن خواندن نماز به عربی، نمازهای گذشته را اعاده کنیم. ایشان فرمود: «من نگفتم به عربی نماز بخوانیـد. هر طور دلتان می خواهـد بخوانیـد. من فقط مشـکلات این کار را برای شـما شـرح دادم.»

ص:۳۳

ما همه عاجزانه از وی طلب بخشایش و از کار خود اظهار پشیمانی کردیم. حضرت آیت الله ارباب با تعارف میوه و شیرینی، مجلس را به پایان برد. ما همگی دست مبارکش را بوسیدیم و درحالی که ما را بدرقه می کرد، خداحافظی کردیم. بعد نمازها را اعاده کردیم و از کار جاهلانهٔ خود دست برداشتیم.(۱)

۱- . ماهنامهٔ پرسمان، ش۴۰، س اول، آذر۱۳۸۰، ص۶و۷.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹